تشابک شواهد در «الخلفاء الاثنی عشر»

دیروز مطالبی را عرض کردم. برخی از نکات در ذهنم آمد تا عرض کنم. یکی عرض کردم مسأله سفیانی یک مؤلفه ای برای یک مجموعه است. این مطلب مهمی است که مؤلفه‌هایی را تشابک کنیم و در یک منظمی قرار دهیم تا یک دیگر را تعاضد کنند. تعاضد این نیست که بگوییم شیعه این جور می‌گویند. وقتی می‌بینیم کسانی که با شیعه مخالف هستند، همین فضا را می‌گویند دیگر نمی‌توان گفت که اینها برای خودشان در آورده‌اند. مثلاً شما می‌گویید خلافاء اثنی عشر را محدثین در آورده‌اند. اما وقتی می‌بینید خلافاء اثنی عشر در صحیح بخاری و مسلم آمده و در کتب اهلسنت فراوان است، این تیمیه با چه زحمتی می‌خواهد این دوازده خلیفه را تعیین کند. زیدی را جزء آنها قرار می‌دهد و صدای اعتراض همه در می‌آید که تو می‌خواهی زیدی را جزء خلافاء اثنی عشر کنی؟! این کثیر اسمی از زیدی نمی‌برد؛ تا امام حسن علیه‌السلام می‌آید و می‌گوید این پنج تا که معلوم هستند اما عمر بن عبد العزیز را علماء اتفاق دارند که از خلافاء اثنی عشر هستند. یعنی دیگر از زیدی فاصله می‌گیرند و سراغ عمر بن عبد العزیز می‌روند. در البدایه نگاه کنید. در البدایه این کثیر جالب این است که تعبیری به «الائمة الاثنی عشر» می‌کند. نمی‌گوید «الخلفاء».

لذا می‌بینید تعبیر خلافاء اثنی عشر را سنی ها هم می‌گویند. این خیلی ضعیف می‌کند که بگوییم شیعیان عدد دوازده را درآورده‌اند. خب چطور شیعه ها این را درآورده‌اند درحالی‌که این دم و دستگاه در اهلسنت هست؟! این حجر و دیگران بحث می‌کنند که اینها چه کسانی هستند.

خب حالا جلوتر بروید. جلوترش کجا است؟ می‌بینید خود ابن تیمیه و ابن کثیر می‌گویند این خلافائی که ما می‌گوییم همانی است که خدای متعال در توراة به پیامبر اولوا العزم خود حضرت ابراهیم بشارت داده است؛ که از ذریه حضرت اسماعیل «اثنی عشرا عظیما» می‌آید. تشابک به این معنا است. حالا شما زحمت بکشید و به شیعیان خلافاء اثنی عشر را بگویید. دست نگه دارید و حرفهای اهلسنت را هم ضمیمه کنید و شبکه کنید. دست نگه دارید و بروید از توراة هم بیاورید. توراتی که خود ابن تیمیه و ابن کثیر می‌گویند خودم دیده‌ام. شاید هم ذهبی است که می‌گوید خودم دیده‌ام. الآن اینها مشهور است. البته کلمه «مُدمُد» برداشته شده و ترجمه دیگری شده است. در همان بشارت، بشارت به ختمی مرتبت آمده ولی در ترجمه به زبانهای دیگر محو شده است. و الّا این جور نیست که خداوند به حضرت ابراهیم دوازده امام را در ذریه حضرت اسماعیل بشارت بدهد اما اسمی از پیامبر نبرد! همان جا «مُدمُد» دارد ای «میودمیود». ولذا می‌گوید «من نسله و ذریته». آنها «ذریته» را به حضرت اسماعیل می‌زنند و حال اینکه به‌طور غلبه کاملاً عبارت می‌تواند به «ذریه مُدمُد» بخورد.

حاج آقا می‌فرمودند ما که نجف مشرف بودیم، در نجف صدایش پیچید و معروف شد که یک کشیشی از فلسطین آمده و مسلمان شده است. بعد همه شیعه ای شده بود که به نجف آمده بود. خود ابن تیمیه هم می‌گوید «کثیر من الیهود الذین اسلموا»؛ بسیاری از یهودی هایی که مسلمان می‌شوند بعد از مسلمان شدن، شیعه می‌شوند. چرا؟ به خاطر اینکه در توراة خلافاء اثنی عشر را دیده‌اند. این را ابن تیمیه می‌گوید که ابن کثیر هم از او نقل می‌کند. ببینید مطلب چطور تشابک می‌شود. یک شهادت به آن صورت در توراة می‌آید و به اینجا وصل می‌شود. اینها چیزهای کمی

نیست.

بازبینی #4
ایجاد شده 1 دسامبر 2025 15:22:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 فوریه 2026 13:48:11 توسط ... .